

# نقد رویه قضایی: الزام به فرآیند استخدام

## دانشجویان بورسیه<sup>۱</sup>

جواد حسین زاده<sup>\*</sup>

### چکیده

اعزام دانشجو به خارج از کشور (بورس تحصیلی) تا سال ۱۳۸۳ بر اساس آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور با برگزاری آزمون انجام می‌شده است. طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ شرط آزمون حذف و با تغییر مقررات، ملاک‌های دیگر برای انتخاب داوطلبان اعزام به خارج وضع می‌شود. حسب گزارش دیوان محاسبات در سال ۹۲ برخی از این تغییرات قانونی نبوده و همین مقررات نیز به نحو صحیح و یکسان نسبت به همه پذیرفته‌شدگان اجرا نشده است.

رأیی که در ادامه مورد تحلیل و نقد واقع می‌شود ناظر به یکی از پذیرفته‌شدگان بورسیه است که پس از خاتمه تحصیل و برای استخدام در دانشگاهی که از پیش در آن جایابی شده بود، در دیوان عدالت اداری اقدام به طرح دعوا می‌کند. دیوان مذکور پس از رسیدگی خارج از نوبت به موضوع مقرر کرده است که پذیرش و جایابی داوطلبان بورس به معنی تعهد مقام بورس دهنده به استخدام آنان پس از خاتمه بورس و تحصیل است. در حالی که به نظر می‌رسد این استنباط با اصول حقوقی، قوانین و مقررات حاکم بر جذب و استخدام متخاصمیان عضویت در هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزشی و پژوهشی منطبق نیست.

### وازگان کلیدی: نقد رای، اعزام دانشجو، دانشجویان بورسیه، بورسیه‌های دولت

دهم،

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

\* دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ

hoseinzadeh@Usc.ac.ir

**مقدمه:**

مساله بورسیه‌های از موضوعاتی است که در دولت دهم رخ داد و برای اولین بار معاون وزیر علوم و رئیس سازمان امور دانشجویان در دولت یازدهم آن را رسانه ای کرد. حساسیت این موضوع به قدری بود که به سرعت به مسئله‌ای جنجالی میان دولت و مجلس تبدیل شد و در نهایت به اولین و شاید اصلی ترین دلیل استیضاح وزیر علوم دولت یازدهم مبدل گردید.

صرف نظر از مباحث سیاسی، وزارت علوم در برخورد با این تخلف که به درخواست مراجع نظارتی صورت پذیرفته است، پس از بررسی کارشناسی پرونده یکایک پذیرفته شده‌گان آنان را به سه گروه تقسیم و نسبت به آنان تصمیمات ذیل را اتخاذ کرده است. ۱- ادامه بورس به هزینه دولت ۲- لغو بورس و ادامه تحصیل به هزینه شخصی ۳- محرومیت از تحصیل و جبران خسارت.

هدف این تحقیق بررسی دلایل محرومیت گروه دوم و سوم نیست. انگیزه‌ی این تحقیق در گام نخست، بررسی پرونده یکی از مشمولین گروه اول پس از خاتمه تحصیل و تبیین این موضوع است که فرآیند ناصحیح یک پدیده اجتماعی حتی اگر با مدارا و اغماض ادامه یابد، چگونه می‌تواند برای نظام آموزشی کشور مشکل ساز شود، مراجع ادرای و قضایی کشور را به خود مشغول کند و حیات علمی دانشگاه‌های برتر کشور را به مخاطره اندازد. در گام بعد، ارزیابی علمی عملکرد دیوان عدالت اداری کشور در برخورد با چند مورد از مصادیق پرونده بورسیه‌ها است.<sup>۲</sup>

بدین منظور تحقیق حاضر در دو مبحث ارائه می‌شود. مبحث اول ناظر به فرآیند شکل‌گیری و پذیرش داوطلبان بورس در دولت دهم است. و مبحث دوم به ارزیابی عملکرد دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده یکی از پذیرفته شدگان بورسیه در

<sup>۲</sup> شایان ذکر است، این پرونده نمونه‌ای از چند پرونده‌ای است که دیوان عدالت اداری در آن نسبت دانشجویان بورس شده وزارت علوم تصمیم مشابه و یکنواختی اتخاذ و ابلاغ نموده است. به همین دلیل نگارنده بجای انتخاب عنوان "تقد رای" از عنوان "تقد رویه قضایی" برای این نوشتار استفاده کرده است. همچنین از آنجا که این موضوع فقط مشکل یک دانشگاه نیست، در قسمت‌های از نوشتار از آن با عنوان مشکل آموزش عالی کشور یا مشکل دانشگاه‌های برتر کشور یاد نموده است.

چارچوب نقد دادنامه‌ای که در این خصوص صادر شده، می‌پردازد.

### ۱- فرآیند شکلگیری و پذیرش داوطلبان بورس در دولت دهم<sup>۳</sup>

با تصویب آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجو در سال ۱۳۶۸ مسیر اصلی اعزام دانشجو به خارج از کشور برگزاری آزمون اعزام سازمان سنجش آموزش کشور تعیین می‌شود. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲ نیز این آزمون همه ساله یا هر دو سال یک بار برگزار می‌شده است.

در سال ۱۳۸۵، شورای مرکزی بورس تصمیم به عدم برگزاری آزمون و انتخاب داوطلبان از میان دانشجویان ممتاز و نمونه و مردمیان دانشگاهها در رشته‌های خاص می‌گیرد و کلیات تصمیم را به تأیید وزیر وقت می‌رساند. سپس در سال ۱۳۸۷ دستورالعمل مربوط را تغییر داده و با اضافه کردن یک بند علاوه بر افراد فوق، افراد دارای خدمات فرهنگی و اجتماعی را نیز مشمول امتیاز بورس می‌سازد و داشتن حداقل معدل ۱۴ برای مقطع کارشناسی و معدل ۱۶ برای کارشناسی ارشد را ضروری می‌داند و شرط سنی نیز تعیین می‌گردد. این تغییرات و بخشنامه‌های سال‌های بعد هیچ یک به تأیید وزیر علوم نمی‌رسد. در حالی که بر اساس آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجو هر تغییر ضوابط پذیرش باید به تأیید وزیر رسانده شود.

به رغم وجود این شرایط، در عمل برای ورود هر شخصی به فرآیند پذیرش بورس، معرفی یکی از دانشگاهها، تشکلهای دانشجویی خاص، مسئولین وزارت علوم و شخص مدیر کل بورس و اعزام ضروری بوده است. به گونه‌ای که در عمل، بدون این معرفی ورود به فرآیند بورس غیر ممکن بوده است. برای مثال در فاصله سال‌های

<sup>۳</sup> مطالب این گفتار به طور عموم برگرفته شده از نامه شماره ۲/۱۴۰۲۷۷ مورخ ۹۵/۱۱/۲۴ و وزیر و رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم خطاب به معاون حقوقی و امور مجلس وزارت مذکور و در پاسخ به سوال یکی از نمایندگان مردم تهران در خصوص ایرادهای قانونی صدور احکام بورسیه‌ها است. گفته‌ی است همین مطالب با تفصیل و توضیح بیشتری در دو اطلاعیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ‌های ۹۴/۲/۹ و ۹۴/۸/۲ نیز منتشر شده است

۸۹ تا ۹۲ معاون فرهنگی وقت وزارت علوم ۷۳۶ نفر، یک تشکل دانشجویی ۵۹۵ نفر و مسئول دیگری در وزارت علوم ۱۵۱ نفر را به این شیوه برای استفاده از مزایای بورس معرفی کرده‌اند. افزون بر این، به تدریج لیست رشته‌های ضروری برای اعزام حذف شده و با گسترش روش تبدیل قبول خارج به داخل، متقاضیان در رشته‌های پذیرفته می‌شوند که هیچ‌گاه در آن رشته اعزام به خارج از کشور صورت نمی‌پذیرفته است. نظیر زبان و ادبیات فارسی، فقه و حدیث، نهج البلاغه و ...

در ظاهر، آنچه در این خصوص مدنظر بوده، ورود عده‌ای به عنوان قبولی بورس خارج و سپس تبدیل آن به داخل جهت گریز از آزمون ورودی دوره‌های دکتری داخل بوده است. گفتنی است، در فاصله سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۵ روش تبدیل به داخل قبولی‌های خارج به صورت محدود و استثنایی و فقط نسبت به ۷۵ نفر انجام شده است در حالی که در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ به عنوان رویه‌ای عادی رایج می‌شود، به گونه‌ای که تعداد آنها به ۱۸۸۶ نفر می‌رسد. این رقم در قیاس با تعداد پذیرفته شدگان بورس خارج از کشور فقط ۷۲۹ نفر بوده است. به بیان دیگر، شیوه استثنایی تبدیل بورس به داخل بر شیوه اصلی اعزام به خارج غلبه می‌یابد.

ایرادات قانونی فرآیند پذیرش داوطلبان بورس در دولت دهم، ابتدا توسط معاون فنی و حسابرسی دیوان محاسبات کشور در تاریخ ۹۲/۹/۲۰ و در دولت یازدهم به وزارت علوم اعلام می‌گردد. سازمان بازرگانی کل کشور نیز به موازت دیوان محاسبات بررسی خود را انجام داده و وقوع تخلفاتی را در مذاکره شفاهی با مسئولین وزارت علوم تایید می‌کند. سرپرست وقت وزارت علوم بر اساس اختیارات مندرج در آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور و تأکید مستقیم دیوان محاسبات کشور مبنی بر اقدامات پیشگیرانه جهت عدم تدوام تخلف و پرداخت‌های غیرقانونی از محل اعتبارات عمومی کشور؛ کمیته‌ای پنج نفره را به منظور بررسی اقدامات انجام شده در دوره قبل تعیین کرده و تأکید می‌نماید: کمیته با نگاه حل معضل و جلوگیری از تنش اجتماعی و رعایت تمامی حقوق پذیرفته شدگان، به رغم اشکالات حقوقی که در نحوه صدور بخشنامه‌های قبلی اعزام و انطباق تصمیمات اجرایی با موازین قانونی

وجود دارد، همین مصوبات و دستورالعمل‌ها مبنای قرار داده و فقط نسبت پذیرفته شدگانی که بر اساس بخشنامه‌های وقت فاقد یک یا چند شرط از شرایط پذیرش بوده‌اند، تصمیم‌گیری کند.

این کمیته نیز در بررسی مصدقی، ضمن تأیید ادامه بورسیه افرادی که شرایط بخشنامه‌های قبلی را دارا بوده‌اند، مقرر می‌دارد افرادی که یک یا چند شرط مصوب همان دوره را ندارند با هزینه شخصی ادامه تحصیل دهند. همچنین برای افرادی که با ارایه اطلاعات غیرواقعی از این فرصت استفاده کرده‌اند، قطع تحصیل و پرداخت خسارت مقرر می‌نماید. تصمیمات این کمیته پس از تأیید شورای مرکزی بورس به تصویب سرپرست وزارت رسیده و مصوبات کمیته تجدیدنظر به همین صورت به تأیید ایشان رسیده است.

۵

گفتنی است، حسب اطلاعیه مورخ ۹۳/۸/۲ وزارت علوم پذیرفته شدگان بدون آزمون طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ در مجموع ۳۷۷۲ نفر بوده‌اند که در چهارگروه پذیرفته شدگان اعزام به خارج ۷۲۹ نفر، تبدیل به داخل ۱۸۶۷ نفر، مرتبان دانشگاه‌ها ۱۰۱۱ نفر و ایثارگران وزارت علوم و دانشگاه‌ها ۱۶۵ نفر بوده‌اند.

صرفنظر از افرادی که در سه گروه اخیر به دلیل عدم احراز شرایط دستورالعمل‌ها وقت لغو بورس شده‌اند، در گروه اعزام به خارج هیچ لغو بورسی صورت نگرفته است. در این گروه به رغم اینکه تعدادی از بورسیه‌های اعزامی به خارج فاقد شرایط معدل یا سن بوده‌اند؛ اما با توجه به این که دوره بورس بیش از نیمی از آنها به اتمام رسیده و در مورد مابقی نیز قطع ارز و بورس ایشان می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نامطلوبی به دنبال داشته باشد، مصوب شده است که ضمن کنترل کیفیت تحصیل و ساز و کارهای قبل از اشتغال آنها در دانشگاه‌ها، بورس آنها ادامه یابد.

## ۲- نقد رای و فرآیند رسیدگی

### ۱-۲- شرح موضوع:

موضوع پرونده و دادنامه مورد نقد در خصوص یکی از پذیرفته شدگان بورسیه است که در اواخر تحصیل در خارج از کشور به وطن مراجعه کرده و در نهایت با تبدیل بورس خود به داخل از رساله دکتری خود در ایران دفاع می‌نماید. وی پس از

خاتمه تحصیل به دانشگاهی که قبلاً در آن جایابی شده مراجعه و تقاضای استخدام می‌کند. دانشگاه مذبور نیز طبق روال معمول وی را جهت ارزیابی علمی به کارگروه علمی هیأت اجرایی جذب دانشگاه معرفی می‌نماید. هیأت اجرایی مذکور نیز به اتفاق آراء وی را واجد صلاحیت علمی در تراز دانشگاه مورد نظر تشخیص نداده و نامبرده را جهت جایابی در سایر دانشگاه‌های کشور به وزارت علوم معرفی می‌کند. متقاضی بدین تصمیم تمکین نکرده و دعوای را در دیوان عدالت اداری به خواسته الزام دانشگاه مذکور به استخدام وی مطرح می‌نماید. دیوان مذکور نیز بدون توجه به جنبه علمی موضوع و به رغم عدم صلاحیت ورود به موضوعات علمی، به صورت خارج از نوبت اقدام به رسیدگی به این دعوا و نهایتاً صدور رأی به نفع شاکی می‌کند.

فرآیند رسیدگی به پرونده مذکور و رأی صادره دارای ایرادات شکلی و ماهوی متعددی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۶

## ۲-۲- متن رای:

در خصوص شکایت..... به طرفیت دانشگاه ..... به خواسته ۱- احراز وقوع تخلف (عدم تبدیل حکم بورس و صدور حکم استخدامی جدید) ۲- الزام به صدور حکم استخدام پیمانی به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه .... و شروع بکار از تاریخ فارغ التحصیلی (از مورخه ۹۵/۸/۲۴) و محاسبه تعهدات از همان تاریخ ۳- الزام به بررسی و محاسبه تعهدات پرداخت حقوق و مزایای معوقه اولاً در خصوص صلاحیت این مرجع در رسیدگی به اصل خواسته، نظر به اینکه جهت طرح شکایت، عدم اجرای مقررات قانونی در اتخاذ تصمیم مغایر با قانون اعلام شده و با عنایت به اینکه به دلالت مصوبه شماره ۶۳۰ سال ۸۷ و بند ۲ مصوبه جلسه ۷۶۰ مورخه ۹۳/۱۲/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مواردی که شکایت از جهت امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی باشد موضوع در صلاحیت هیأت یا هیأت‌های تعیین شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و با عنایت به اینکه در مانحن فیه شکایت از حیث شئون آموزشی و علمی نمی‌باشد بلکه نسبت به موضوع از حیث عدم رعایت مقررات و ضوابط قانونی شکایت شده است لذا موضوع خارج از شمول مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. ثانیاً در خصوص قسمت اول و دوم اصل خواسته، شاکی

اعلام داشته فارغ التحصیل مقطع دکتری رشته ..... می باشد که بر اساس اعلام نیاز دانشگاه .... و پس از موافقت هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه مذکور و طی مراحل گزینش به عنوان بورسیه در مقطع دکتری رشته مذکور تحصیل نموده و پس از فراغت از تحصیل به دانشگاه طرف شکایت معرفی شده که تاکنون پاسخی به وی داده نشده است. نظر به اینکه ۱- موضوع بورسیه شاکی و رشته..... در هیأت رئیسه دانشکده ... دانشگاه فوق الذکر در مورخه ۸۷/۱۰/۲۹ مطرح و موافقت گردیده و سپس طی مکاتبه شماره ۷۰۰۶۰/۴۰ - ۸۷/۱۱/۲ جهت طی مراحل بورس خارج به مدیر کل بورس و امور دانشجویان خارج معرفی گردیده است. ۲- پس از اخذ پذیرش بعنوان دانشجوی بورسیه به دفترخانه اسناد رسمی معرفی و متعاقب آن بموجب سند رسمی محضری تنظیمی، تعهد خدمتی خود را اعلام داشته و نص صریح تعهدنامه محضری فی مابین، به روشنی محل خدمت آتی را مشخص و مقید به استخدام و جذب بورسیه نموده است. ۳- حکم بورس مشارالیها طی نامه شماره ۸۸/۲/۱۴-۴۲/۵/۱۱۴۷۳ صادر گردیده است ۴- نامبرده به دلالت نامه شماره ۴۲/۱۰۴۲۱۴ مدیر کل بورس و اعزام دانشجویان، جهت شروع به کار برای بورسیه اعطایی و اعلام تاریخ دقیق آن به دانشگاه .... معرفی گردیده است. با توجه به اینکه بر اساس ماده ۳۹ آیین نامه اعطای بورس تحصیلی و اعزام دانشجو به خارج از کشور مصوب ۶۸/۱۲/۱۲ "دانشجویانی که برای بورس پذیرفته می شوند باید قبل از صدور حکم نهایی تعهد و تضمین محضری بسپارند که پس از اتمام تحصیلات ... در محلی که در تعهد نامه مشخص شده و یا وزارت تعیین می کند دو برابر مدت تحصیل ... خدمت کنند" در واقع سپردن تعهد محضری الزام قانونی و مقدمه صدور حکم بورس بوده و صدور حکم بورس متوقف به دادن تعهد مورد اشاره بوده و در حقیقت این دو لازم و ملزم یکدیگر می باشد از سوی دیگر اگر هدف از بورسیه نمودن صرفاً تحصیل فرد بوده نیازی به انجام تشریفات رسمی و اداری فوق الذکر نبوده است. چه اینکه طرح موضوع جایابی در هیأت اجرایی جذب دانشگاه و اعلام موافقت آن مرجع و سپس الزام به تعهد محضری و در ادامه صدور حکم بورس که در آن محل خدمت آتی مشخص گردیده و پس از آن اعلام نیاز به خدمات شاکی توسط دانشگاه و

پرداخت مقرri از محل اعتبارات و از مجاری امور مالی دانشگاه همگی مبین فرایندی هدفدار بوده و هدف نهایی آن استخدام و جذب و انجام تعهدات در دانشگاه محل جایابی بعنوان عضو هیأت علمی بوده است و از سوی دیگر وزارت علوم طی نامه شماره ۴۲/۱/۳۵۹۴۵ مورخه ۸۹/۸/۴ اعلام داشته " تقاضاهايي که از طرف دانشگاهها ارسال ميگردد به منزله اعلام نياز و محل خدمت آتي پس از فراغت از تحصيل داوطلبان قلمداد خواهد شد" لذا با عنایت به اينکه مجموعه اقدامات انجام شده که براساس مقررات قانوني و تعهدات دو جانبه وفق توافق بوده و مغایرتی هم با قوانین حاكم نداشت، حق مكتتبه ايجاد نموده که آثار حقوقی بر آن مترب بود و پرداخت حقوق مدیريتی موجب ناديده گرفتن تکاليف و تعهدات قانوني خواهد بود و پرداخت حقوق از محل اعتبارات عمومي برای شاكى در طول دوره تحصيل بر اساس اعلام نياز دانشگاه بوده و اعلام عدم نياز بعدی به تخصص وي با توجه به تحميil هزينه هاي مذكور به صندوق بين المال و ايجاد حق مكتتبه برای شاكى نافي حقوق وي خواهد بود لذا با عنایت به مجموع مراتب فوق و اصل انتظار مشروع مستفاد از مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکيلات و آيین دادرسي ديوان عدالت اداري، ضمن احراز وقوع تخلف حكم به ورود شكایت و الزام طرف شكایت به ادامه فرآيند استخدام مشاراليه بر اساس بورسيه اعطا شده به ناميرده صادر و اعلام مي نماید. ثالثاً در خصوص قسمت سوم خواسته مبني بر محاسبه تعهدات پرداخت حقوق و مزاياي معوقه به لحاظ اينکه شاكى رابطه استخدامي با دانشگاه نداشته و مصدر خدمت نبود و اساساً پرداخت حقوق و مزايا، مستلزم خدمت و انجام وظيفه محوله مي باشد لذا اين قسمت از خواسته شاكى را غيروارد تشخيص و حكم به رد شكایت صادر و اعلام مي گردد. رأى صادره ظرف بيست روز پس از ابلاغ قابل تجديد نظر خواهی در شعب محترم تجديد نظر ديوان عدالت اداري خواهد بود.<sup>۴</sup>

این راي پس از تجدیدنظرخواهی دانشگاه عينا در تاريخ ۹۶/۱۰/۳ در شعبه تجديد نظر تاييد شده است.

---

<sup>۴</sup> نگارنده دست کم شش دادنامه مشابه مقدمات و استنتاج اين دادنامه را که مربوط به دو دانشگاه برتر كشور و يك پژوهشگاه است را ملاحظه كرده است.

### ۳-۲- ایرادات شکلی:

۱- **عدم صلاحیت دیوان:** تصمیم دانشگاه مبنی بر عدم نیاز به خدمات شاکی نتیجه بررسی علمی هیأت اجرایی جذب دانشگاه در خصوص صلاحیت علمی ایشان برای عضویت به عنوان هیأت علمی بوده و کاملاً دارای جنبه علمی و پژوهشی است؛ از آنجا که طبق مصوبه جلسه ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصمیمات اتخاذی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در امور و شئون علمی از صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی خارج است، دیوان صلاحیت ورود به این موضوع را ندارد بنابراین بر اساس بند ۲ مصوبه جلسه ۷۶۰ مورخ ۹۳/۱۲/۱۲ شوای عالی انقلاب فرهنگی موضوع دعوا فقط در صلاحیت هیات عالی تجدیدنظر وزارت علوم است.

۲- **صدور حکم خارج از خواسته:** حکم صادره خارج از خواسته شاکی است.

۹

الزام به ادامه فرآیند استخدام است. بدیهی است الزام به فرآیند استخدام غیر از صدور حکم استخدام است. زیرا فرآیند استخدام مبتنی بر مجموعه اقدامات متعدد از جمله مصوبه هیأت اجرایی جذب دانشگاه و تایید آن از سوی وزارت علوم است. بنابراین از آنجا که فرآیند استخدام اعم از صدور حکم استخدام است، آغاز هر فرآیند استخدامی الزاماً منتهی به صدور حکم استخدام نمی‌شود. اشکال اساسی رای صادره این است که اگر فرآیند استخدام (که عموماً در مراجع مختلف و بعضاً به صورت شورایی اتخاذ تصمیم می‌شود) ادامه یابد و نتیجه آن عدم استخدام شاکی باشد، در عمل رای صادره که ظاهرً با توجه به مقدمات آن به نفع شاکی صادر شده است، بی اثر خواهد بود.

۳- **عدم طرح دعوا به طرفیت وزارت علوم:** با توجه به اینکه شاکی، دانشجوی بورس وزارت علوم بوده که در دانشگاه ... جایابی شده است، مطابق آیین نامه بورس، هزینه های تحصیلی وی از محل منابع این وزارتخانه تأمین شده و تعهدات دانشجو نیز در برابر این وزارتخانه است. بنابراین نظر به آثار و الزاماتی که دعوای شاکی نسبت به وزارتخانه مذکور ایجاد خواهد کرد، قطعاً ذینفع اصلی این دعوا وزارت علوم است که می‌بایست در راستای رعایت اصل تناظر و عدم محرومیت

خوانده اصلی از دفاع، طرف دعوا قرار می‌گرفته و فرصت دفاع برای آن تأمین می‌شده است؛ ضمن اینکه بسیاری از دلایل و مستندات جهت دفاع می‌بایست توسط این وزارتخانه ارائه و یا توضیح داده می‌شده که دانشگاه طرف شکایت دسترسی به آن مدارک نداشته است. لذا دادخواست خواهان به صورت فعلی از اساس قابلیت استماع ندارد. خصوصاً اینکه مجوز استخدام هر یک از دانشجویان بورسیه پس از خاتمه بورس و طی مراحل قانونی باید توسط این وزارتخانه صادر شود. چگونه می‌توان در راستای اجابت خواسته شاکی حکم به استخدام وی داد؛ ولی کسی که باید دست کم بخشی از این حکم را اجرا کند، طرف دعوا نباشد.

**۴- عدم امکان استماع دعوا:** خواسته شاکی مبنی بر الزام به استخدام، قابلیت استماع ندارد. زیرا استخدام وی فرع بر مصوبه و نظر مثبت هیات اجرایی جذب دانشگاه است؛ از آنجا که صلاحیت علمی شاکی بر اساس مصوبه هیأت اجرایی جذب دانشگاه رد شده است. تا زمانی که این مصوبه ابطال نشود اعتبار آن به قوت خود باقی بوده و امکان استخدام شاکی فراهم نمی‌شود. شایان ذکر است، تصمیمات هیات مذکور مستقل از تصمیمات رئیس دانشگاه بوده و این هیات از نظر ساختار تابع مقررات شورای انقلاب فرهنگی است. بنابراین، رئیس دانشگاه نمی‌تواند برخلاف نظر هیأت مذکور، دستور استخدامی شخصی را که این هیأت فاقد صلاحیت علمی شناخته، صادر نماید. شایان ذکر است ماده ۱۴ "دستور العمل رسیدگی به شکایات" مصوب جلسه شماره ۴۷ مورخ (۸۸/۱۰/۱۴) هیات عالی جذب اعضای هیات علمی شورای انقلاب فرهنگی چنین مقرر می‌دارد: «**هیچ مقام اداری و دولتی نمی‌تواند آراء هیات‌های مرکزی یا هیات‌های اجرایی را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر در مواردی که هیات عالی آن را ابطال و یا تصمیم دیگری اتخاذ نماید.**»

**۵- عدم رعایت اصول دادرس عادلانه:** به نظر می‌رسد شیوه رسیدگی به این پرونده و برخی از پروندهای دانشجویان بورسیه خلاف رویه معمول دیوان و بدون رعایت اصول دادرسی عادلانه، اصل بی‌طرفی دادگاه و اصل برابری اصحاب دعوا صورت پذیرفته است. زیرا اولاً: در ابتدا این پرونده به شعبه سوم دیوان ارجاع شده ولی سپس

پرونده از این شعبه دریافت و به شعبه دیگری ارجاع شده است. در این شعبه نیز برای این منظور دادرس ویژه‌ای در کنار قاضی اصلی شعبه تعیین شده و کلیه پروندهای دانشجویان بورسیه به این دادرس ویژه ارجاع داده شده است. ثانیاً: این پرونده و تعداد دیگر از پرونده بورسیه‌ها به صورت خارج از نوبت رسیدگی شده است. گفتی است فاصله تقديم دادخواست شاکی در این پرونده تا صدور رای قطعی شعبه تجدید نظر کمتر از شش ماه به طول انجامیده است. هر چند رسیدگی خارج از نوبت برابر ماهه ۴۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از اختیارات ریسیس دیوان و شعبه مذکور است. ولی از آنجا که رسیدگی به نوبت اصل و نشانه رعایت عدالت دستگاه قضا در تعامل با مراجعان و رعایت برابری اصحاب دعوا است، به طور معمول باید دلایل یا مصالحی که رسیدگی خارج از نوبت به یک پرونده را ایجاب کرده است، ذکر شود. شایان ذکر است سرعت در رسیدگی به این پرونده چنان استثنایی بوده است که امکان دفاع طرف شکایت را در زمان متعارف (نه قانونی) از وی گرفته است. به طور معمول متوسط اوقات رسیدگی به یک پرونده در شعب بدوى دیوان تا صدور رای، در خوشبینانه‌ترین حالت، دست کم شش ماه به طول می‌انجامد؛ ولی در این پرونده بدون انتظار کافی برای وصول لایحه دفاعیه طرف شکایت، در ظرف کمتر از سه ماه از تاریخ تقديم دادخواست منتهی به صدور رای بدوى شده است.

#### ۴-۲- ایرادات ماهوی

رای دادگاه محترم به اختصار می‌بین این مطلب است که چون شاکی در دانشگاه ... جایابی و به وزارت علوم معرفی شده و سپس تعهد خدمت سپرده و حکم بورس وی صادر گردیده و برای او حقوقی مقرر شده پس حق مكتسبی بری او ایجاد گردیده است و دانشگاه در قبال تعهدی که شاکی مبنی بر خدمت سپرده متعهد به استخدام وی است و این تعهد دو جانبی است. در حالی که این استدلال به دلایل ذیل صحیح نیست.

**۱- اختلاط مفهوم بورس با مفهوم استخدام: شاکی پذیرفته شده بورسیه**  
وزارت علوم است که در دانشگاه طرف شکایت جایابی شده است. بورس در این

وزارتخاره به معنی گزینش دانشجویان مستعد و تأمین هزینه تحصیل آنان تا پایان تحصیلات و استخدام آنان در خاتمه تحصیلات به شرط احراز شرایط علمی و عمومی است بنابراین، بر خلاف استنباط دادگاه محترم، صرف بورس کردن یا جایابی دانشجویان به معنی ایجاد تعهد برای دانشگاه مبنی بر استخدام نامبردها نیست. بر اساس مقرارت جاری در وزارت علوم و تمامی دانشگاه‌های کشور، بورس و استخدام دو مرحله کاملاً مجزای از یکدیگرند و هر کدام نیز واجد شرایط منحصر به خود است که باید شرایط آن توسط مراجع ذیصلاح احراز شود. بنابراین تأیید صلاحیت علمی دانشجو در هنگام اعطای بورس به هیچ عنوان به معنای لزوم استخدام بورسیه‌های فارغ التحصیل، بدون ارزیابی و تأیید صلاحیت‌های علمی و عمومی آنان نیست. در حقیقت، تأیید صلاحیت حین اخذ بورس تحصیلی یک مرحله کاملاً مجزا از بررسی توانمندی علمی و صلاحیت عمومی جهت جذب و استخدام است. زیرا:

۱۲

**اول: برابر " دستورالعمل اجرایی جذب و تبدیل وضعیت استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی " مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه مکلف است پس از اتمام تحصیلات دانشجویان بورسیه، برای استخدام آنان مجددًا وضعیت علمی و تحصیلی آنان را مورد ارزیابی قرارداده و سپس در خصوص استخدام آنان اتخاذ تصمیم نماید.**

**دوم: برابر مواد متعدد از جمله بند ۴ ماده ۳ و بند الف ماده ۷ دستورالعمل فوق، یکی از وظایف هیأت اجرایی جذب دانشگاهها و کارگروه‌های علمی آن، ارزیابی علمی متقاضیان هیأت علمی در مقاطع مختلف جذب از جمله بورس، قراردادی، پیمانی، رسمی آزمایشی و رسمی قطعی است. حتی برابر مفاد این دستورالعمل هیأت مذکور می‌تواند استخدام عضو هیأت علمی قراردادی و پیمانی را به دلیل از دست دادن شرایط عمومی و علمی لغو نماید. بنابراین، برابر مواد مذکور و رویه عملی کلیه دانشگاه‌های کشور، صرف بورس شدن دانشجو به منزله تعهد دانشگاه به استخدام وی نیست. صرف نظر از صراحة مواد مذکور، عقل و منطق حکم می‌کند کیفیت آموزش و پژوهش دانشجوی بورسیه پس از خاتمه تحصیل و در بدء استخدام مورد**

ارزیابی علمی و عمومی مجدد قرار گیرد.<sup>۵</sup> زیرا وی در این مرحله به مقطع تحصیلی بالاتری ارتقاء یافته و به طور طبیعی دانش وی در این مقطع باید متفاوت از مقطع اعطای بورس مورد ارزیابی واقع شود.

افرون بر این، طبق مفاد حکم بورس و تعهد محضری که از شاکی اخذ شده، نامبرده متعهد بوده است هر شش ماه یکبار گزارش پیشرفت تحصیلی خود را به دانشگاه ارسال کند، اما ایشان در طول مدت تحصیل تنها تعداد ۲ گزارش به دانشگاه ارائه کرده و نظر گروه مربوط نیز در خصوص پیشرفت تحصیلی وی مساعد نبوده است. البته دانشگاه، اهمیت و عواقب این موضوع را به نامبرده تذکر داده است.

**سوم:** چنانچه به عملکرد کمیته بررسی وضعیت دانشجویان بورسیه و اطلاعیه-ها و مکاتبات وزارت علوم توجه شود. یکی از دلایل تصمیم کمیته به عدم لغو بورس گروه دانشجویان بورسیه اعزام به خارج، به رغم اینکه بعضاً واحد شرایط بورس نبوده-اند، این بوده است که نامبردگان پس از خاتمه تحصیل برابر مقررات جاری در دانشگاه ها باید مجدداً مورد ارزیابی علمی قرار گیرند. عین عبارت مذکور در صفحه ۷ اطلاعیه مورخ ۹۳/۸/۲ وزارت علوم بدین شرح است.

"اگر چه تعدادی از بورسیه‌های اعزامی به خارج فاقد شرایط معدل یا سن می باشند؛ اما با توجه به این که دوره بورس بیش از نیمی از آنها به اتمام رسیده و در مورد مابقی هم قطع ارز و بورس ایشان می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نامطلوبی به دنبال داشته باشد، مصوب شد که ضمن کنترل کیفیت تحصیل و ساز و کارهای قبل از اشتغال آنها در دانشگاه‌ها، بورس آنها ادامه یابد..."

## ۲- اختلاط مفهوم لغو تعهد و اعلام عدم نیاز: دانشگاه طرف شکایت اقدام

به لغو تعهد یا لغو بورس شاکی نکرده است. بلکه نامبرده تحصیلات خود را به اتمام

<sup>۵</sup>- در خصوص کیفیت تحصیلی و علمی برخی از شاکیان مطالب مستند دیگری نیز وجود دارد که به دلیل محروم‌انه بودن مکاتبات امکان ذکر آن نیست

رسانیده ولی پس از خاتمه دوره بورس به دلایل علمی در دانشگاه طرف شکایت جذب نشده است لذا برای جایابی در دانشگاهی دیگر به وزارت علوم معرفی شده است. در حالی که دادگاه محترم صادر کننده رای عموماً با تلقی لغو تعهد از موضوع، حکم به الزام به فرآیند استخدام داده است. بنابراین، برخلاف استدلال دادگاه:

**اول:** اساساً هیچگونه لغو بورس یا لغو تعهدی از جانب دانشگاه صورت نگرفته است. بلکه طرف شکایت صرفاً به مقام بورس دهنده یعنی وزارت علوم، مراتب عدم نیاز به خدمات شاکی (به لحاظ عدم احراز شرایط و نصاب علمی دانشگاه) را اعلام کرده است.

**دوم:** الزام به دادن تعهد خدمت به معنای الزام متقابل دستگاه در جذب دانشجو نیست؛ زیرا قبول تعهد از جانب متعهده‌له الزامی برای وی و حق مكتسبی برای متعهد ایجاد نمی‌کند. متعهده‌له به عنوان ذیحق هر زمان بخواهد می‌تواند از موضوع حق صرفنظر کند. (مستنبط از ماده ۲۴۴ ق. م) وانگهی، بر فرض صحت چنین استدلالی، شاکی به وزارت علوم تعهد خدمت داده و این رابطه حقوقی با وزارت علوم ایجاد شده است؛ حال آنکه این وزارتخانه اساساً طرف دعوا قرار نگرفته است. بدیهی است در صورت عدم احراز شرایط جذب شاکی در دانشگاه طرف شکایت، (به عنوان یکی از دانشگاه‌های برتر کشور) نامبرده در نهایت در یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات زیر مجموعه وزارت علوم و یا سایر بخش‌های وزارتخانه مناسب با سطح توانایی علمی جایابی و تعهد خدمتی وی سپری خواهد شد.

**سوم:** دادگاه محترم در رای خود به تعهد محضری دانشجو اشاره کرده و بر مبنای آن دانشگاه را متعهد به استخدام شاکی دانسته‌اند. در حالی که در همین تعهدنامه مورد استناد به صراحة تعیین محل خدمت را بر عهده مجموعه وزارت علوم قرار داده و هیچ محل قطعی و لا یتغیری که حقی برای دانشجو ایجاد نماید ذکر نشده است. در تعهدنامه مذکور شاکی متعهد شده است: «...حداقل دو برابر مدتی را که با استفاده از بورس تحصیلی، تحصیل نموده ام، در کشور ایران و هر محلی که وزارت مذکور تعیین می‌کند خدمت نمایم...»

### ۳- استنباط ناصحیح از بند ۴ نامه شماره ۴۲/۲۳۵۹۴۵ مورخ ۸۹/۸/۴

**وزارت علوم:** صرفا نظر از اینکه شماره نامه در رای صادره به اشتباه ذکر شده است، دادگاه محترم در رای خود با استناد به بند ۴ این نامه که بیان می دارد « تقاضاهای که از طرف دانشگاهها ارسال می گردد به متزله اعلام نیاز و محل خدمت آتی پس از فراغت از تحصیل داوطلبان خواهد بود...» چنین نتیجه می گیرند که این متن در کنار سایر قرایین دلالت بر لزوم استخدام شاکی دارد. در حالی که اعلام نیاز و جایابی پذیرفته شدگان بورسیه به هیچ وجه، به معنای الزام و تعهد دانشگاه برای استخدام آنان پس از فراغت از تحصیل نیست. چنانچه به تمامی بندهای این نامه و از جمله به ادامه مطلب بند یاد شده توجه شود؛ به راحتی می توان دریافت که نامه صادره در مقام توضیح روند مستند سازی پرونده متقاضیان بورسیه است و نه بیان الزام دانشگاهها به جذب دانشجویان بورسیه فارغ التحصیل.

۱۵

به هر حال دانشگاه طبق مقررات استخدامی و مصوبه بیستمین جلسه هیأت عالی جذب مورخ ۸۸/۶/۷ الزام دارد از طریق هیأت اجرایی جذب، صلاحیت علمی بورس شدگان را پس از فارغ التحصیلی مجدداً بررسی و در صورت رعایت مقررات و ضوابط حین تحصیل و کسب امتیازات لازم پس از تایید هیات مرکزی جذب وزارت علوم و اخذ مجوز از این وزارتخانه نسبت به استخدام آنان به عنوان هیأت علمی اقدام نماید.

#### نتیجه گیری

بر هم زدن فرآیندهای علمی و رقابت سالم در نحوه انتخاب داوطلبان بورس نه تنها در عمل به از میان بردن عدالت آموزشی و محروم کردن جامعه در استفاده از استعدادهای برتر می انجام، زمینه برخوردهای سلیقه‌ای و اعمال نظر شخصی در انتخاب افراد و در نتیجه بروز فساد را نیز فراهم می سازد. آنچه مسلم است، نگاه سیاسی و جناحی به مسایل علمی به حیات موسسات آموزشی و پژوهشی به ویژه دانشگاههای برترکشور آسیب جبران ناپذیری وارد می سازد. افزون براین، شایسته است مراجع قضایی همانگونه که در مصوبه شماره ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر شده است، از ورود به موضوعات تخصصی علمی که حیات دانشگاهها بدان وابسته

است. خودداری کنند. یا در صورت تشخیص صلاحیت، احراز موضوعات استخدامی را که مبتنی بر مسایل علمی است، به کارشناسان علمی مرتبط با موضوع ارجاع نمایند.

در هر حال، به نظر می‌رسد برابر مقررات حاکم بر جذب و استخدام اعضای هیات علمی که عموماً مصوب شورای انقلاب فرهنگی است و همچنین رویه عملی وزارت علوم و موسسات آموزش و پژوهشی کشور، دو مقطع پذیرش به عنوان بورس و استخدام از یک دیگر جدا بوده و در هر یک از این دو مقطع باید صلاحیت عمومی و علمی متقاضیان به طور مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد.

